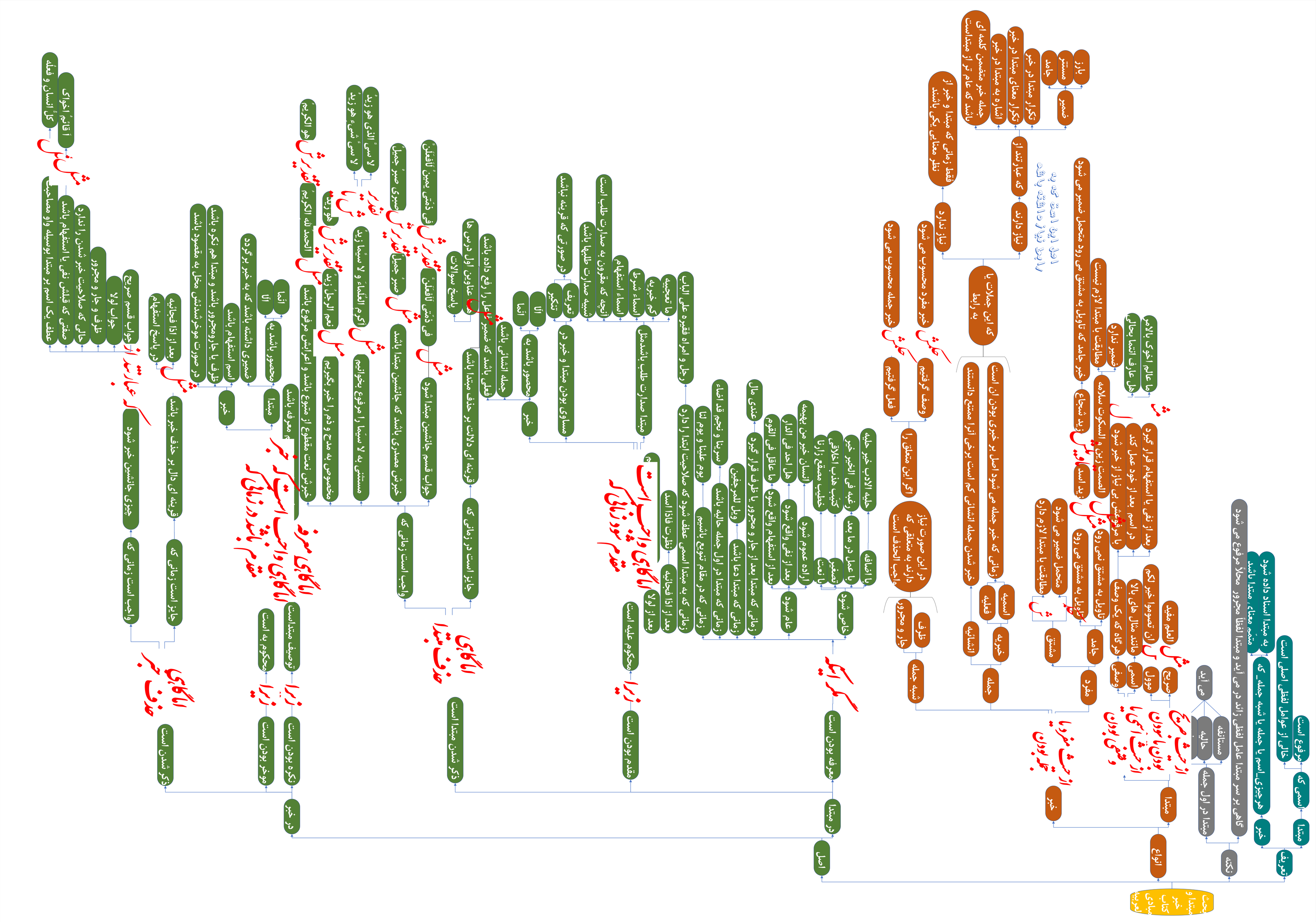
مبحث مبتدا و خبر کتاب مبادی نحویه
اصل
در مبتدا
معرفه بودن است
مقدم بودن است
ذکر شدن مبتدا است
در خبر
نکره بودن است
موخر بودن است
ذکر شدن است
اما گاهی حذف خبر
زیرا
محکوم علیه است
اما گاهی حذف مبتدا
زیرا
محکوم به است
اما گاهی مرفوع
اما گاهی واجب است که خبر مقدم باشد در زمانی که
اما گاهی واجب است که مبتدا مقدم باشد در زمانی که
توصیف مبتدا است
جایز است زمانی که
واجب است زمانی که
جایز است در دال بر حذف خبر باشد
قرینه ای دال
واجب است زمانی که
چیزی جانشین خبر شود
در جانشین خبر شود
ما عالم اخوی بالامر
هل عارف انتما بحالی
مرفوع است
اسمی که
مبتدا
تعریف
خالی از عوامل لفظی اصلی است
به مبتدا اسناد داده شود
هر چیزی_اسم یا جمله یا شبه جمله_که
خبر
متضمن معناء مبتدا باشد
گاهی بر سر مبتدا عامل لفظی زائد در می آید و مبتدا لفظا مجرور محلا مرفوع می شود
نکته
مستانفه
حالیه
می آید
مبتدا در اول جمله
العلم مفید
صریح
دلول
اسمی
وصفی
مبتدا
انواع
از حیث صریح بودن یا بودن یا از حیث اسمی یا وصفی بودن
از حیث مفرد یا جمله بودن
خبر
بعد از نفی یا استفهام قرار گیرد
در اسم بعد از خود عمل کند
با مرفوعش بی نیاز از خبر شود
الصمت زین و السکوت سلامه
زید اسد
زید شجاع
خبر جامد که تاویل به مشتق می رود متحمل ضمیر می شود
مطابقت با مبتدا لازم نیست
ضمیر ندارد
ان تصموا خیر لکم
مانند مثال های بالا
هرگاه که یک وصف
تاویل به مشتق نمی رود
جامد
مفرد
تاویل به مشتق می رود
متحمل ضمیر می شود
مطابقت با مبتدا لازم دارد
مشتق
اسمیه
فعلیه
انشائیه
خبریه
جمله
زمانی که خبر جمله می شود
خبر شدن جمله انشائی کم است
خبر جامد که تاویل به مشتق می رود
باز
مستتر
جامد
ضمیر
تکرار مبتدا در خبر
تکرار معنای مبتدا در خبر
اشاره به مبتدا در خبر
که عبارتند از
جمله خبر متضمن کلمه ای باشد که عام تر از مبتدا است
نیاز دارند
که این جملات یا به رابطه
نیاز ندارد
فقط زمانی که مبتدا و خبر از نظر معنایی یکی باشند
اول ارنق اشرق کی یه
لا یرنق نیاز دا اشرق با اشق
خبر مفرد محسوب می شود
وصف گرفتیم
اگر این متعلق را
فعل گرفتیم
خبر جمله محسوب می شود
در این صورت نیاز دارند به متعلقی که واجب الحذف است
ظرف
جار و مجرور
شبه جمله
حلیه الادب خیر حلیه
رغبه فی الخیر خیر
کتب هذب اخلاقی
خطیب مصقع زارنا
انسان خیر من بهیمه
هل احد فی الدار
ما عاقل فی القوم
یا ظرف قرار گیرد
عندی مال
لله در حضین
سرینا و نجم قد اضاء
یوم علینا و یوم لنا
که صلاحیت ابتدا را دارد
رجل و امراه فقیره علی الباب
ما تعجبه
کم خبریه
اسماء شرط
اسماء استفهام
مبتدا صدارت طلب باشد مثل
انچه که مقرون به صدارت طلب است
نسبه صدارت طلبها باشد
در صورتی که قرینه نباشد
تعریف
تنکیر
مساوی بودن مبتدا و خبر در
انا
انما
محصور باشد به
خبر
با اضافه
با عمل در ما بعد
تصغیر
با نعت
خاص شود
کلمه ایکه
ارداه عموم شود
بعد از نفی واقع شود
عام شود
بعد از استفهام واقع شود
زمانی که مبتدا بعد از جار و مجرور یا ظرف قرار گیرد
زمانی که مبتدا دعا باشد
ویل للمرجفین
زمانی که مبتدا در اول جمله حالیه باشد
زمانی که در مقام تنویع باشیم
زمانی که به مبتدا اسمی عطف شود که صلاحیت ابتدا را دارد
بعد از اذا فجائیه
نظرت فاذا اسد
اما گاهی واجب است که خبر مقدم شود زمانی که
جمله انشائی باشد
فعلی باشد که ضمیر فاعل را رفع داده باشد
قرینه ای دلالت بر حذف مبتدا باشد
عناوین اول درس ها
پاسخ سوالات
فی ذمتی یمین لافعلن
فی ذمتی لافعلن
فی ذمتی یمین لافعلن
صبر جمیل
صبری صبر جمیل
خبرش مصدری باشد که جانشین مبتدا باشد
جواب قسم جانشین مبتدا شود
جواب قسم
واجب است زمانی که
لا سیّ الذی هو زید
لا سیّ شیء هو زید
اکرم العلماء و لا سیما زید
مستثنی به لا سیّما را مرفوع بخوانیم
هو زید
نعم الرجل زید
مخصوص به مدح و ذم را خبر بگیریم
خبرش نعت مقطوع از متبوع باشد و اعرابش مرفوع باشد
هو الکریم
الحمد لله الکریم
معرفه باشد
انما
انا
محصور باشد به
مبتدا
ضمیری داشته باشد که به خبر برگردد
اسم استفهام باشد
خبر
ظرف یا جار و مجرور باشد و مبتدا هم نکره باشد
در صورت موخر شدنش محل به مقصود باشد
بعد از اذا فجائیه
در پاسخ استفهام
قام زید
قام اخوک
قام اخوک
کل انسان و فعله